بلوغ دختران

به کوشش: مهدی مهریزی

www.atharebartar.com

فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۳
مقدّمه	۵
رسالة فی البلوغ وحدّه؛ عبدالعالی‌بن‌علی‌بن عبدالعالی کرکی	۱۳
بلوغ؛ عبّاسعلی محمودی	۲۷
سنِّ بلوغ برای ازدواج؛ عبّاس منتهایی	۵۷
تحقیقی دربارهٔ سنِّ بلوغ؛ سیّد محمّد حسن مرعشی	۶۹
سنِّ تکلیف؛ قاسم کریمی	۹۱
بلوغ دختران؛ مهدی مهریزی	۱۱۱
متیٰ تصوم الجاریة؟؛ محمّد هادی معرفت	۱۷۹
رسالهٔ بلوغ؛ سیّد محمّد جواد غروی اصفهانی	۱۸۳
سنِّ بلوغ دختران؛ سیّد محمّد موسوی بجنوردی	۲۲۹
نظریهٔ تحوّل شریعت با تحوّل زمان سنِّ بلوغ دختران؛ محمّد ابراهیم جنّاتی	۲۳۷
بلوغ در نُه سالگی، قول مشهور؛ محبوبهٔ عبّاسقلی زاده (امّی)	۲۴۵
بلوغ، از دیدگاه فقهی و کارشناسی؛ محمّد تقی فاضل میبدی	۲۶۷
بلوغِ دختران؛ طبیعی یا فقهی؟؛ سیّد محسن سعیدزاده	۲۸۱
رسالة فی‌البلوغ؛ حسین یزدی اصفهانی	۲۹۱
بلوغ الذکر و الانثی؛ سیّد محمّد حسینی کاشانی	۳۰۵
پژوهشی در بلوغ دختران؛ محمّدعلی گرامی	۳۳۱
سنّ بلوغ؛ زهرهٔ صفاتی	۳۴۳

www.atharebartar.com

پیش‌گفتار

دست‌یابی به فقهی نظام‌مند و پاسخ گوی پرسش‌های گوناگون، منوط به فهم مقاصد شریعت سمحهٔ اسلامی و درک محکمات کتاب و سنّت و تفسیر متشابهات در چارچوب آن‌هاست. هنگامی می‌توان دربارهٔ فروع فقهی نظری استوار و فتوایی راه‌گشا عرضه کرد، که اصول اساسی شریعت و حکمت‌های احکام دین درک شوند. امامان معصوم علیهم‌السلام همواره از پیروان خود خواسته‌اند که گفتارشان را چون آیات قرآن ـ که محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید و عام و خاص دارد ـ فهم کنند و از جمود بر روایتی و توقف در ظاهر حدیثی و عدم تعمق بپرهیزند. این آموزه، نصب‌العین فقیهان و متفقهان در دین بوده و درخت تناور فقه زاییدهٔ تأملات آنان در دو سرچشمهٔ فقه؛ یعنی قرآن و سنّت بوده است.

مسألهٔ بلوغ که یکی از شرایط تکلیف است، نیازمند همین تأملات فقیهانه است. بلوغ تنها پدیده‌ای زیستی نیست، که نشانهٔ رشد فکری و اجتماعی و نتیجتاً پذیرش مسؤولیت نیز به شمار می‌رود. مکلَّف کسی است که از نظر فقه اسلامی حقوق و تکالیفی دارد و می‌تواند در محدودهٔ خاصّی از اختیارات خود استفاده کند. برای رسیدن به این مرحله هر کس نیازمند شرایطی از جمله بلوغ است. در این منظر بلوغ خود موضوعیّت ندارد، که امارهٔ تکلیف است و دلیل آن. بنابراین می‌توان دربارهٔ ماهیّت، نشانه‌ها و جلوه‌های آن گفت و گو کرد. لذا بحث از سنِّ بلوغ، در حقیقت، گفت و گو از آمادگی برای تکلیف است و تن دادن به خطاب شارع. فقیهی که از این زاویه به بلوغ و سنِّ آن می‌نگرد، متوجّه اهمیّت فتوای خود می‌گردد و پی می‌برد که باید در چارچوب اصول کلّی شریعت؛ مانند عدم تکلیف به مالایطاق، فتوا دهد و از توقف در ظواهر خودداری کند. فقیهی که برای

www.atharebartar.com

مثال نُه سالگی را، نشان تکلیف دختران می‌داند، باید به تمام لوازم فتوای خود تن بدهد. از این‌رو و با توجّه به پاره‌ای تبعات ناخواسته، برخی از فقیهان از گذشته‌ها دربارهٔ نشان بلوغ و تکلیف دختران بحث کرده‌اند و راه را برای گفت و گوی بیش‌تر آیندگان گشوده‌اند.

مجموعهٔ حاضر کوششی برای گردآوری و نمایاندن همهٔ این تلاش‌های علمی به‌ترتیب تاریخی است. جناب حجت‌الاسلام و المسلمین مهدی مهریزی، با دقّتی وسواس‌گونه بحث‌ها و رساله‌های مختلف دربارهٔ بلوغ دختران را گرد آورده و پس از تحقیق و افزودن مأخذشناسی بلوغ ـ برای محققانی که در پی ادامهٔ این راه هستند ـ آن را به صورتی مفید عرضه داشته‌اند. سعی‌شان مشکور باد. معیار گزینش نوشته‌ها، تازگی و داشتن بحث جدّی و ترتیب قرار گرفتن‌شان براساس تاریخ نگارش آن‌هاست. امید که این مجموعه مقبول حضرت ولی عصر (عج) واقع گردد و صاحب‌نظران از آن بهره‌مند شوند و از ارائهٔ نظرات خود، دریغ نکنند.

مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی «پژوهشگاه»

www.atharebartar.com

مقدمه

ربّ حامل فقه الی من هو أفقه منه.[1]

خاصیّت گشوده بودن باب اجتهاد، رونق نقد و نظر و تکاپوی اندیشه‌هاست. در این رهگذر مسائل نوپیدا پاسخ داده شده و مسائل کهن مورد بازبینی و بازنگری قرار می‌گیرد.

در این بازنگری، گاه دلیلی محکم‌تر بر پاسخ گذشته ارائه می‌شود و گاه پاسخ پیشین با قالب نوینی عرضه می‌گردد، و چه بسا که پاسخ‌های جدید جای‌گزین پاسخ‌های کهن گردد. همهٔ این‌ها لازمهٔ طبیعی اجتهاد است. البته باید اذعان داشت که نباید اجتهاد از ضوابط خود خارج شود؛ بدین معنا که پژوهشگران عرصه‌های فقاهت باید:

۱ـ دانش‌های لازم فقاهت را دارا باشند.

۲ـ شیوهٔ بحث‌های اجتهادی (رجوع به منابع دینی، جست و جو و فحص) را رعایت کنند.

۳ـ از تأویل‌های ناروا در متون روشن دینی پرهیز کنند.

۴ـ در اقوال و آرای فقیهان پیشین با دیدهٔ تعمّق و تأمّل بنگرند.

مسألهٔ بلوغ به ویژه بلوغ سنّی دختران، سالیانی است که صاحب نظران را به خود مشغول کرده است و به حق، شایستهٔ بازبینی و بازنگری است.

در این سال‌ها بحث‌های جدید و نسبتاً عمیقی در قالب رساله و مقاله به سامان رسیده که برخی به تثبیت آرای گذشته منتهی گشت و برخی به ارائهٔ نظریّه‌ای نو. در این

---

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۰۳، ح ۱؛ کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۴۸، ح ۲۲.

www.atharebartar.com

مجموعه تلاش شده این رساله‌ها گردآوری شده، و سر و سامانی یابد تا زمینه‌ای برای پژوهش‌های آینده فراهم آید.

هفده رساله که غالب آن‌ها ویژهٔ «بلوغ دختران» است و برخی نیز به بحث بلوغ به گونه‌ای عام (دختران و پسران) پرداخته‌اند، گرد آمده است. در تمامی رساله‌ها موضوع مهم و جدّی، نشانه بودن سنّ بلوغ است و بر پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها که آیا سنّ، نشانهٔ شرعی بلوغ است؟ و اگر نشانهٔ شرعی است، چه سنّی نشانه است؟، همّت گمارده شده است. در ترتیب رساله‌ها، زمان نشر و نگارش منظور شده، تا سیر تاریخی مسأله و نحوه شکل‌گیری آرای نوین نمودار شود.

در این مقدمه ضمن مرور رساله‌ها، چکیده هر یک را می‌آوریم.

۱ـ رسالة فی البلوغ وحدة: این رساله که برای نخستین بار منتشر می‌شود، اثر «عبدالعالی کرکی» از فقیهان قرن دهم است. در این رساله از سنّ بلوغ دختران سخن گفته شده و نویسنده، به بررسی رأی مشهور (نُه سالگی) پرداخته و ادّله‌ای نیز بر خلاف آن اقامه کرده، امّا در پایان آن را بر سایر نظریات ترجیح داده است.

۲ـ بلوغ: این مقاله قسمتی از کتاب حقوق اسلام شرایط تکلیف و مسؤولیت نوشتهٔ عبّاسعلی محمودی است. در این مقاله، ابتدا علایم و نشانه‌های بلوغ ـ که مورد اختلاف است ـ مطالعه و بررسی شده و در پایان مسألهٔ «سنّ بلوغ دختران» در فقه شیعه مورد تأمل قرار گرفته است.

نگارنده در این مطالعه به این نتیجه رسیده که سنّ خاص، نشانهٔ بلوغ نیست و اختلاف روایات نیز، ناشی از متفاوت بودن پرسشگران است.

۳ـ سنّ بلوغ برای ازدواج: این مقاله سال ۱۳۷۰ در مجلهٔ ندا چاپ شده است. نویسنده ضمن بحث، به سنّ بلوغ در قانون مدنی ایران می‌پردازد. وی معتقد است قانون مدنی ایران قبل از اصلاحات سال ۱۳۶۱، سنّ بلوغ را براساس شرایط اقلیمی، متفاوت و تغییرپذیر می‌داند، لکن پس از اصلاح قانون مدنی در سال ۱۳۶۱ سنّ بلوغ دختران نُه سالگی دانسته شد و در نظر آنان (قانون‌گذاران) این، امری ثابت و تغییرناپذیر است.

نویسنده به طور ضمنی سنّ بلوغ دختران (نُه سالگی) را تغییرپذیر دانسته و این را یکی از راه‌های جمع بین اخبار می‌داند.

www.atharebartar.com

۴ـ تحقیقی دربارهٔ سنّ بلوغ: این رساله که نخست در مجلهٔ قضایی و حقوقی دادگستری به چاپ رسیده، به بررسی نشانه بودن سنّ بلوغ دختران پرداخته است. نویسنده مقاله بر اساس شواهدی از روایات و نیز آمارهایی که نسبت به قاعدگی دختران فراهم آمده، سنّ را نشانهٔ تعبدی بلوغ نمی‌داند، بلکه بر این عقیده است که ملاک بلوغ دختران، قاعدگی است.

۵ـ سنّ تکلیف: این مقاله که بخشی از آن در مجلهٔ تربیت به چاپ رسیده و در این‌جا تمامی آن عرضه می‌شود، در پی آن است که با شواهدی از آیات و روایات و پژوهش‌های جدید، نشان دهد که نمی‌توان نُه‌سالگی را سنّ بلوغ دختر دانست، بلکه در بلوغ، باید نشانه‌های طبیعی را در نظر گرفت. البته در پایان تصریح می‌کند که تعیین زمان خاص بلوغ یا شرایط دیگر به عهدهٔ علمای دین است.

۶ـ بلوغ دختران: در این مقاله موضوعات زیر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است: حقیقت بلوغ؛ نشانه‌های خارجی و غالبی بلوغ؛ تأثیر آب و هوا در بلوغ؛ سنّ بلوغ در قوانین بشری؛ بلوغ شرعی و اماره‌های آن و امارهٔ تعبّدی بلوغ.

محور اصلی این مقاله سنّ بلوغ دختران است. آن چه به اثبات رسیده آن است که اولاً: سنّ، امارهٔ شرعی نیست، بلکه امارهٔ شرعی بلوغ در دختران، قاعدگی است. ثانیاً: اگر سنّ، امارهٔ بلوغ باشد، نُه سالگی در همهٔ تکالیف علامت بلوغ نیست. ثالثاً: اگر نُه‌سالگی امارهٔ بلوغ در همهٔ تکالیف باشد، با ادلهٔ معتبری که سیزده سالگی را مطرح کرده، معارض است و نمی‌توان به طور حتم نُه سالگی را علامت بلوغ دانست. بر این دعواها شواهدی از قرآن، احادیث و پژوهش‌های جدید اقامه شده است.

۷ـ متی تصوم الجاریة؟: این نوشته بخشی از مقالهٔ استاد «محمّد هادی معرفت» است که با عنوان حدّ الیأس و البلوغ در مجلهٔ الفکر الاسلامی منتشر شده است.

نویسنده بر این باور است که وجوب روزه بر دختران، بر قاعدگی مبتنی بوده و نُه‌سالگی ملاک شرعی نیست. ایشان بر اساس روایات ارائه شده، شهرت فتوایی را در برابر نصوص بی‌اثر می‌داند.

۸ـ رسالهٔ بلوغ: این رساله در ضمیمهٔ کتاب مبانی حقوق در اسلام نشر یافته است. نویسنده این مقاله بر این باور است که چون در کتاب و سنّت معتبر، از سنّ، به عنوان

www.atharebartar.com

نشانهٔ بلوغ یاد نشده، و تنها بر قاعدگی و احتلام تاکید شده است، اصول چهارگانهٔ عدم تکلیف، برائت، استصحاب و تأخّر حادث اقتضا دارد که نُه سال را در دختر علامت بلوغ ندانیم.

نویسنده، روایاتی را که دال بر نشانه بودن نُه سال است، از نظر سند و متن ضعیف دانسته و به جز این، آن‌ها را مخالف قرآن و سنّت قطعیه می‌داند.

در ادامه، بیست و پنج حدیث از شیعه و اهل سنّت آورده که ملاک بلوغ را احتلام و قاعدگی معرفی می‌کنند.

۹ـ سنّ بلوغ برای دختران: نویسنده این مقاله بر آن است که چون بلوغ یک امر طبیعی و تکوینی است؛ علامت و نشانه آن هم باید از سنخ خودش باشد؛ به تعبیر دیگر، چیزی که هویّتش تکوینی است، امارهٔ تکوینی می‌طلبد. از این رو، سنّ نمی‌تواند نشانه و علامت بلوغ باشد.

۱۰ـ نظریهٔ تحول شریعت با تحول زمان: سنّ بلوغ دختران: در این مقاله ابتدا این قاعدهٔ کلی طرح شده که شریعت با تحولات زندگی تغییر نمی‌پذیرد، بلکه آن چه تحوّل‌پذیر است و در بستر دگرگونی قرار می‌گیرد، موضوعات احکام است.

یکی از موضوعاتی که با این قاعده مرتبط است، بلوغ دختران است. نویسنده بر این عقیده است که معیار بلوغ دختران قاعدگی است و روایاتی که سنّ نُه سال را طرح کرده‌اند، معلّل به حیض هستند.

نویسنده بر این باور است که بلوغ دختران به گونه‌ای است که اگر قانون تحوّل را هم نپذیریم، باز ملاک آن، قاعدگی و حیض است.

۱۱ـ بلوغ در نُه سالگی قول مشهور: در این نوشتار نخست، بلوغ و تکلیف در آیات قرآن مورد توجه قرار گرفته و به این نتیجه رسیده که سنّ در قرآن مطرح نیست. آن‌گاه به روایات نظر افکنده و آن‌ها را در سه بخش عبادی، جزایی و معاملات به بحث گذارده است. در جمع‌بندیِ روایات مربوط به امور عبادی آمده است که احتلام و قاعدگی و سیزده سال ملاک بلوغ است.

در امور جزایی از روایات چنین برداشت شده که نُه سال برای دختران و پانزده سال برای پسران میزان تکلیف است.

www.atharebartar.com